

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ فبروری ۲۰۲۱

پاکستان در نقش گربه زاهد!

جمعه - ۸ حوت ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت کنونی مکتب کوتاهی داریم به سخنان سخنگوی اردوی پاکستان. جنرال "بابر افتخار" سخنگوی اردوی پاکستان روز چهارشنبه ۲۵ فبروری در روالپندی در مقابل سوالات خبرنگاران خارجی حاضر شده موضع دولت آن کشور و اردوی آن را در قبال خروج نیروهای ناتو از افغانستان، متفاوت دانستن اوضاع کنونی حاکمیت دولتی در افغانستان از دهه ۹۰ قرن گذشته که به سلطه طالب بر کابل منجر گردید و ناتوانی طالب از تکرار عین وقایع و عدم حمایت کشور خودش از طالب جهت رسیدن به قدرت در کابل؛ بیان داشت. بیان چنین نظراتی آنهم از جانب سخنگوی اردوی پاکستان نمی تواند بیرون چند حالت صورت گرفته باشد.

۱- با حرکت از یک دید خوشبینانه از طریق صفر ساختن ضریب مغزی خود، بپذیریم که زمامداران پاکستان سرانجام بعد از ۷۰ سال دشمنی پنهان و آشکار و به خاک و خون کشاندن میلیونها هموطن ما، وجدانشان بیدار و سر عقل آمده، می خواهند واقعاً در افغانستان صلح آمده، آنهم صلحی که در آن طالب مسلط نشود.

امیدوارم وقتی چنین حرفی را از دهن دشمن دیرینه خلق و کشور افغانستان می شنویم، آنقدر هیجانی و ذوقزده نگردیم که نپرسیم دلیل این تغییر ۱۸۰ درجه در منش و سیاست های پاکستان چیست؟ آیا حاکمیت در کشور ما آنقدر قوی شده که پاکستان متیقن گردیده است که دیگر نمی تواند بر افغانستان زور بگوید؟ آیا طالب چنان درمانده، ضعیف و یا وابسته به کدام رقیب پاکستان شده که پاکستان بیش از این نخواهد با حمایت از آنها خود را به درد سر بیندازد؟ آیا جنبش و حرکتی در پاکستان به وجود آمده که حمایت از طالب باعث تقویت آن جنبش بگردد و حیات پاکستان را با خطر مواجه بسازد؟ و یا در پاکستان چنان انقلابی پیروز شده است که نه تنها ساختار های اقتصادی و اجتماعی را در آن کشور از پایه و اساس به نفع خلق آن کشور و کشور های منطقه و جهان متغیر ساخته بلکه در منش، کرکتر و شخصیت زمامداران آن نیز چنان تغییری را بار آورده که آنها نخواهند بیش از این دست شان به خون خلق خودشان و خلقهای منطقه و جهان آغشته باشد؟ و یا در افغانستان نیروهای انقلابی و ملی در چنان سطحی رشد نموده اند که به مثابه بدیل قدرت نه تنها بر عمر دولت دست نشانده خاتمه می دهد، بلکه رقبای وطنفروش آنها را نیز سر جای شان خواهد نشاند؟

۲- این که پاکستان باز هم دروغ می گوید و بدین وسیله می خواهد نخست حامیان دولت دست نشانده را خر ساخته، آنها را به بی خطر بودن بیرون شدن نیروهای شان از افغانستان متقاعد سازد و با ترک آنها به مانند گذشته به بازی "تقارن

منفی" با اشغالگران روس آغاز و از آن طریق حاکمیت دست نشانده را قسمی از میان بردارد که حامیانش هم حرکتی نتوانند.

هموطنان گرامی!

هرگاه خواسته باشیم بدون لاف گزاف به قضیه نظر اندازیم می بینیم که پاسخ تمام سؤالاتی که در احتمال اول مطرح گردید همه "منفی" است. یعنی نه تنها حاکمیت دست نشانده، قدرتمند نشده بلکه رهبری حاکمیت اعم از ملکی و نظامی با هزار و یک رشته به استخبارات پاکستان چنان وابسته اند، که با یک حرکت و اشاره از جانب پاکستان همه دودسته به طالب بیعت خواهند نمود، نه طالب ضعیف گردیده، نه فشار بین المللی بر پاکستان فزونی یافته و نه هم انقلابی در پاکستان صورت گرفته تا ماهیت تجاوزکارانه آن کشور را دگرگون نماید.

با تأسف از یگانه وسیله تأدیب و سرجای نشاندن پاکستان یعنی پایه گیری، و رشد حرکت ها و جنبش های ملی و انقلابی هم اثر و نشانه ای نیست تا به زور خلق مسلح و آماده دفاع از هست و بود کشور، مخلوط نظامیان و ارتجاع هار مذهبی در پاکستان را که حاکمیت را در آن کشور نمایندگی می کنند، وادار به فرار از قلمرو افغانستان نماید.

پس یگانه فرضی که باقی می ماند این است که پاکستان با این صلح خواهی در نقش همان گریه زاهد درآمده تا با اغفال طرف به قول "عبید زاکانی" پنج پنج بگیرد.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که رسیدن به صلح در افغانستان، نه از تکیه برای طالب و نه هم از دخالت خارجی ها اعم از اشغالگران و یا رقبای شان به دست نمی آید، بلکه تاریخ جوامع دیگر و درک ماهیت جنگ ارتجاعی کنونی ثابت ساخته و نشان می دهد که رسیدن به صلح فقط با عبور از دریای خون دشمنان افغانستان اعم از امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی ممکن و مقدور می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!